

عنوان مقاله:

تحلیل گفتمان انتقادی وظایف مرید از دیدگاه قشیری براساس رویکرد فرکلاف

محل انتشار:

مجله نثر پژوهی ادب فارسی، دوره 21، شماره 44 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

فاطمه منتظری - گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

حسین رضویان - گروه زبانشناسی همگانی دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

محمد رضایی - گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان، سمنان

حسین کیا - گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران

خلاصه مقاله:

تحلیل گفتمان انتقادی روشی برای تحلیل متن است و جامع ترین الگو را در این زمینه، نورمن فرکلاف (1989) ارائه کرده است که در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، رابطه متن را با بافت موقعیتی آن آشکار می سازد. با گسترش شیوه های جدید در تحلیل متون، بررسی متون کهن از این افق های تازه ضروری می نماید. هرچند متون عرفانی بیشتر با انگیزه های درونی و به دور از مبارزه با سیاست و اجتماع نگاشته می شدند؛ اما از تاثیر اجتماع و دوران خود مصون نبوده اند و گفتمان های مسلط بر آن ها، متاثر از شرایط دوران آن هاست. قرن پنجم یکی از دوره های مهم در تصوف است و رساله قشیریه یکی از متون برجسته ایست که در همین دوران به وسیله ابوالقاسم قشیری در پی ایجاد انحراف در تصوف، برای تبیین اصول و عقاید صوفیه نگاشته شده است. در این پژوهش باب آخر از این اثر را که دربرگیرنده سفارش به مریدان است؛ بر اساس نظریه فرکلاف تحلیل نموده ایم. نتایج بررسی نشان می دهد که ایدئولوژی قشیری در شیوه استفاده از عبارات و کلمات آشکار می شود. گفتمان های مسلط بر این باب شامل تعظیم صوفیه، تسلیم مرید در برابر پیر و زهد هستند که علاوه بر بازنمایی اوضاع اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، به بازتولید شرایط جدید و بهبود وضع موجود نیز کمک نموده اند.

کلمات کلیدی:

تحلیل گفتمان انتقادی، فرکلاف، قرن پنجم، رساله قشیریه، مرید

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/894532>

